

بررسی ویژگی‌های پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی - اجتماعی و سلامت روان در نوجوانان بزهکار

فاطمه صغری کربلایی هرفته^۱، غلامعلی افروز^۲ و مهوش رقیبی^۳

چکیده

بزهکاری نوجوانان از جمله مسائل بفرنج اجتماعی است که افکار عمومی را شدیداً به خود مشغول داشته است. پژوهش حاضر به منظور بررسی وضعیت ویژگی‌های پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی - اجتماعی و سلامت روان نوجوانان بزهکار انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را تمامی نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت استان سیستان و بلوچستان در سال ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل می‌دادند که از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۸۶ نفر از نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت استان به عنوان نمونه انتخاب شدند و ضمن مشخص کردن سطح تحصیلات کنونی و نمره معدل آنان، پرسش‌نامه ویژگی‌های تبار خانوادگی محقق ساخته، و پرسش‌نامه سلامت روان SCL-90-R در مورد آنان اجرا و تکمیل گردید. یافته‌ها نشان داد، نوجوانان بزهکار از نظر ویژگی‌های تبار خانوادگی، فرزند سوم خانواده بوده و دارای ساختار خانوادگی گسترده، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی پائین در والدین و تعداد اعضای خانواده زیاد بودند. در زمینه پیشرفت تحصیلی، نوجوانان بزهکار اکثریت بی‌سواد و تعداد اندکی تحصیلاتشان تا ابتدایی و متوسطه بود. بیش‌ترین فراوانی علت ترک تحصیل این نوجوانان این بوده که کمک خرج خانواده بودند و نگرش آنان به اجتماع بد بوده است. این افراد در زمینه سلامت روان نیازمند توجه و مداخله بالینی هستند، همچنین آنان در مقیاس سوءظن، افسردگی و ترس نیاز به مداخله بالینی داشتند. با شناسایی علمی این ویژگی‌ها، مشخص می‌شود که برنامه‌ریزی‌های مناسب جهت پیشگیری از بزهکاری و بازپروری نوجوانان بزهکار در زمینه تدوین برنامه‌های آموزشی و هدایت شغلی و تحصیلی آنان از موارد قابل توجه است.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی - اجتماعی، سلامت روان، نوجوانان بزهکار

۱. نویسنده ی رابط؛ دکتری تخصصی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی karbalai_996@yahoo.com

۲. استاد ممتاز روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی، دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۳/۴

مقدمه

در قرن بیستم و پس از پایان جنگ جهانی دوم با توجه به پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و صنعتی شدن جوامع و به دنبال آن سست شدن روابط حاکم بر خانواده و همچنین مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ و افزایش حاشیه‌نشینی، زمینه‌ی مناسبی برای گسترش انحرافات اجتماعی فراهم شد. در نتیجه، افراد زیادی به دلایل گوناگون مرتکب بزهکاری شدند (کریمی، نیکوی کوپس، نیک خواه فشکچه، آسوده نالکیاشری و بابائی خویده، ۱۳۹۵). مبحث بزهکاری و رسیدگی به جرائم اطفال نوجوانان و نیز نگهداری از آن‌ها از سویی دیگر افزایش بزهکاری نوجوانان و تأثیر مخرب آن بر سازگاری نوجوانان و امنیت عمومی، توجه بسیاری از جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به خود جلب کرده است (بارو و اوزکان، ۲۰۱۵).

بزهکاری، معمولاً از مباحث مهم و قابل بررسی در جرم‌شناسی و سایر علوم مرتبط با انسان‌ها است. از طرفی دیگر، بررسی ریشه‌ای مسائل نوجوانان و از جمله بزهکاری نوجوانان، برای رسیدن به یک جامعه‌ی ایده‌آل شرط ضروری است (مختاری، ۱۳۹۱). بزهکاری نوجوانان از دو جنبه در زمره‌ی مسائل مهم اجتماعی جامعه‌ی ایران به شمار می‌رود: اولاً بزهکاری در نوجوانی احتمال رفتار مجرمانه را در دوران بزرگ‌سالی افزایش می‌دهد و ثانیاً، براساس داده‌های خودگزارشی از نوجوانان، سطح واقعی بزهکاری نوجوانان حتی از آمارهای مربوط به دستگیری‌های رسمی نیز بیش‌تر است (کشفی و اصانلو، ۱۳۹۰).

مشکلات برخاسته از بزهکاری، یکی از دلایل مهم ارجاع افراد برای دریافت کمک‌های روان‌شناختی محسوب می‌شود (سوخودولسکی، کاسینوو و گورمن^۱، ۲۰۰۴) که می‌تواند مشکلاتی را در کار، روابط بین فردی و کیفیت کلی زندگی پدید آورد (سادوک، کاپلان و سادوک^۳، ۲۰۱۵). نوجوانان بزهکار معمولاً در مدرسه مشکلات بسیاری دارند. مشکلاتی همچون نداشتن موفقیت

-
1. Ebru & Ozcan
 2. Sukhodolsky, Kassinove & Gorman
 3. Sadock, Kaplan & Sadock

تحصیلی، ماندن در یک کلاس، قرار گرفتن در کلاس‌های آموزشی خاص، ترک تحصیل، تعلیق و اخراج (مشکاتی، موسی‌زاده و کریمی‌راد، ۱۳۹۶). مسائل تحصیلی، آموزشی و ظرفیت هوشی در بزهکاری تأثیر مستقیمی دارد (شلی ترمبلای، اوبرین و لانتینریچسن روهلینگ^۱، ۲۰۰۷) و به احتمال زیاد یک عامل زیربنایی مشترک مانند نقص‌های عصب-روان‌شناختی، نقص در کارکردهای کلامی یا وضعیت نامناسب اجتماعی-اقتصادی، نقص در کارکردهای کلامی یا وضعیت نامناسب اجتماعی-اقتصادی، علت مشکلات تحصیلی و یا بزهکاری است (ماش و ولف^۲، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان دادند که ضریب هوشی کلامی در بزهکاری ۸ نمره، ۱۵ نمره، ۸ تا ۱۲ نمره و ۵ نمره از هوش غیر کلامی پایین‌تر است و دامنه‌ی ۸۵ را در هوش کلامی ذکر کردند و حتی در برخی پژوهش‌ها از نوجوانان بزهکار، ۱۳ درصد آن‌ها در کم‌توان ذهنی شناختند (مانیاداکي و کاکوروس^۳، ۲۰۱۱). احتمال زیادی وجود دارد که کودکان و نوجوانان با مشکلات ستیزانه و بزهکارانه در زبان و خواندن دچار مشکلات ضعف تحصیلی باشند. همچنین نقص در کارکردهای کلامی و اجرایی از جمله مشکلات دیگر آن‌ها است. در بین کودکان و نوجوانانی که با مشکل نقص توجه و فزونی کنشی مواجه‌اند، اگر با مشکلات بزهکاری مواجه شوند در مسائل تحصیلی با مشکلاتی جدی مواجه می‌گردند (مشکاتی و همکاران، ۱۳۹۶). مشکاتی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین هوش کلی نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج مقایسه بین دو گروه در هوش کلامی نشان داد بین دو گروه در هوش کلامی و عملی تفاوت معناداری وجود دارد. نوجوانان عادی در هوش کلی، کلامی و عملی نمره بیش‌تری دارند. همچنین نوجوانان بزهکار، پیشرفت تحصیلی کم‌تری نسبت به گروه غیر بزهکار دارند. شمس‌الدینی و منصور و باقری (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که پیشرفت تحصیلی، پیش‌بینی کننده‌ی منفی و معنادار نگرش مثبت به بزهکاری بود. اما پیشرفت تحصیلی نگرش منفی به بزهکاری را به طور معنادار پیش‌بینی

1. Shelley-Tremblay, O'Brien & Langhinrichsen-Rohling
2. Mash & Wolfe
3. Maniadaki & Kakouros

نکرد. یافته‌ها نشان داد که بین عامل محافظت‌کننده تاب‌آوری و پیشرفت تحصیلی با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه معکوسی وجود دارد. در واقع این دو عامل دانش‌آموزان را در برابر عوامل‌های خطر ساز جامعه محافظت می‌کند. نتایج پژوهش مانیاداکی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که بین ضعف تحصیلی و بزهکاری رابطه وجود دارد و افراد بزهکار در پیشرفت تحصیلی با چالش جدی مواجه‌اند.

اعمال و رفتارهای والدین و تعاملات خانوادگی افراد با رفتارهای بزهکارانه ارتباط دارد (بوکنر^۱، ۲۰۰۹). مرور پیش‌بینی‌کننده‌های مهم بزهکاری در نوجوانان پسر، نشان داد که اعمال، رفتار و عملکردهای خانوادگی، مهم‌ترین و اولین پیش‌بینی‌کننده‌ی بزهکاری در آنان است. عناصر مهم رفتارهای خانوادگی عبارت‌اند از: عدم تجانس و ناهم‌گونی، سهل‌انگاری، دعوا، درگیری و مشاجره، رفتارهای انضباطی بسیار تنبیه‌کننده و توأم با سخت‌گیری، تعاملات خانوادگی توأم با سردی، بی‌محبتی و طرد کردن، فقدان ارتباط با فرزندان، منفعل بودن و عدم آگاهی والدین از روابط فرزندشان با هم‌سالان خود، عدم نظارت والدین بر فعالیت‌های اوقات فراغت نوجوانان و تنبیه جسمانی و فیزیکی. شواهد نشان می‌دهند که این ویژگی‌ها نه تنها پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای شروع و تداوم رفتارهای بزهکارانه‌اند، حتی می‌توانند انواع مختلف و اشکال مختلف رفتارهای بزهکارانه را پیش‌بینی کنند؛ اشکال مختلف بزهکاری شامل جرائم پرخاشگرانه، جرائم خاص و استفاده از مواد مخدر و داروهای (علی‌وردی نیا و ستاره، ۱۳۹۲). شارما و جوشی^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان نقش محیط خانواده و سبک فرزندپروری در سازگاری میان نوجوانان پسر به این نتیجه رسیدند که وجود سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، روابط حمایتی بین اعضاء خانواده، سازماندهی بهتر محیط خانواده و همبستگی اعضا با حفظ استقلال فردی با سازش‌یافتگی اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنادار و با رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی و معنادار دارد. مراگ و مس‌کای^۳

1. Buckner
2. Sharma & Joshi
3. Mrug & McCay

(۲۰۱۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند افرادی که همسالان و والدینشان مصرف الکل و سایر اعمال خلاف قانون را تأیید نمی‌کنند، سطوح پائین تری از مصرف الکل و رفتارهای بزهکارانه را در آینده از خود نشان دادند. ست و آسودانی^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند افرادی که والدینشان به شیوهی اقتدار منطقی و دموکراتیک با آنها رفتار می‌کنند، احتمال گرایش آنها به سوء مصرف مواد مخدر کم بوده و هرگونه احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه و رفتارهای پرخطر نیز در آنها بسیار کم است.

مسائل و اختلالات روانی چون عزت نفس پایین و عدم خودکارآمدی، در بزهکاری نوجوانان مؤثر است و این امر به این علت است که رشد «من» در دوران بلوغ آسیب پذیرتر از رشد خصوصیات جسمی است. رفتار ضد اجتماعی و بزهکاری طیف وسیعی از اختلالات رفتاری را در بر می‌گیرد که موجب نقض قانون و حقوق دیگران می‌شود و سلامت روان نوجوانان بزهکار را تهدید کند (هاشمی، ۱۳۸۸). سلامت روان موضوع مهمی در سراسر جهان است که افراد باید در تمام جنبه‌هایی از زندگی خویش از جمله مهارت در مراقبت از سلامت جسمی، روانی و مهارت در ارزیابی و مدیریت چالش‌های پیش رو در آن بهبود یابند (الیسیا، میتچل، امی و جاستون^۲، ۲۰۱۶). سلامت روان عبارت است از داشتن سازگاری کافی و احساس خوب بودن از دیدگاه روان‌شناختی، متناسب با معیارهای قابل قبول روابط انسانی و جامعه (ساعتچی، ۱۳۹۳). قریشی، کلهر، مظلوم زاده، حسین طهرانی و اسکندی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اختلالات روان‌شناسی شامل اضطراب و افسردگی به طور معنی‌داری در نوجوانان بزهکار بالاتر بود. هاشمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که نوجوانان بزهکار با انواع اختلالات روانی از قبیل اضطراب، افسردگی و... مواجه هستند. کارسول، مایوقان، دیویس، داوونپورت و گوارد^۳ (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان دادند که نوجوانان بزهکار اختلالاتی همچون اضطراب، افسردگی و مصرف مواد از خود نشان

1. Seth & Asudani
2. Elicia, Mitchell & Johnston
3. Carswell, Maughan, Davis, Davenport & Goddard

می‌دهند.

مشکلات ناشی از بزهکاری می‌تواند منجر به اختلالات روانی از قبیل اضطراب، افسردگی، علائم جسمانی و اختلال در کارکرد اجتماعی چه در زندگی عادی و چه در زندگی شغلی ایجاد کند (سایپوترا، یونیهند و سیوکراتول^۱، ۲۰۱۶). پدیده بزهکاری جوانان و نوجوانان علاوه بر ضرر و زیان همه جانبه‌ای که متوجه جامعه می‌کند منجر به هدر رفتن سرمایه‌های ملی و تباهی نیروهای انسانی و استعدادهای جوانی می‌شود که مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شوند و هزینه‌های هنگفتی همه‌ساله صرف جبران خسارات وارده بر کشور از سوی جوانان بزهکار می‌شود. از این رو با توجه به اهمیت موضوع، هدف از این پژوهش بررسی تحلیلی ویژگی‌های پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی - اجتماعی و سلامت روانی نوجوانان بزهکار در استان سیستان و بلوچستان بود.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و از لحاظ روش، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی نوجوانان بزهکار استان سیستان و بلوچستان ورودی کانون اصلاح و تربیت استان سیستان و بلوچستان در سال ۹۶-۱۳۹۷ تشکیل می‌داند که از میان آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس، تعداد ۸۶ نوجوان بزهکار استان سیستان و بلوچستان به عنوان نمونه انتخاب شدند. رای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده گردید:

تبار خانوادگی-اجتماعی: برای گردآوری اطلاعات راجع به تبار خانوادگی - اجتماعی از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته شامل سؤالات: تأهل (مجرد و متأهل)، ساختار خانواده (کوچک و بزرگ، ۹، ترتیب تولد، نوع مسکن (اجاره‌ای، ملکی)، درآمد مادر (خوب، متوسط، ضعیف، ندارد)، درآمد پدر (خوب، متوسط، ضعیف، ندارد)، تعداد فرزندان، سواد پدر (بی‌سواد، زیردپلم، فوق

1. Saputra, Yunibhand & Sukratul

دیپلم)، سواد مادر (بی‌سواد، زیردیپلم، فوق دیپلم)، طبقه‌ی اجتماعی (ضعیف، متوسط)، رابطه‌ی والدین (خوب، متوسط، ضعیف، بد)، رابطه‌ی اعضای خانواده (خوب، متوسط، ضعیف، بد)، دلبستگی (پدر، مادر، هر دو، هیچکدام)، رابطه‌ی والدین (خوب، متوسط، ضعیف، ندارد)، طلاق (بلی، خیلی)، ازدواج پدر (بلی، خیر)، ازدواج مادر (بلی، خیر)، فوت پدر (بلی، خیر)، فوت مادر (بلی، خیر)، از کار افتادگی پدر (بلی، خیر)، جرائم کیفری پدر (بلی، خیر)، جرائم کیفری مادر (بلی، خیر)، اعتیاد پدر (بلی، خیر)، اعتیاد مادر (بلی، خیر)، تأمین معاش (پدر، مادر، برادر، دیگران)، نگرش به خانواده (خوب، متوسط، بد)، نگرش به اجتماع (بلی، خیر)، نگرش به معلم (بلی، خیر)، نگرش به دوستان (بلی، خیر).

سلامت روان (SCL-90): این پرسش‌نامه توسط دراگوتیس و همکارانش در سال ۱۹۷۳ معرفی شد و بر اساس تجربیات بالینی و تحلیل‌های روان‌سنجی، مورد تجدید نظر قرار گرفته و فرم نهایی آن در سال ۱۹۷۶ تهیه گردید. ۹۰ ماده این آزمون ۹ بعد مختلف شکایات جسمانی، وسواس و اجبار، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی را در بر می‌گیرد. پاسخ‌های ارائه شده به هر یک از موارد آزمون در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از میزان ناراحتی که از (هیچ) تا (به شدت) است، مشخص می‌شود. در این آزمون ۷ سؤال اضافی نیز وجود دارد که تحت هیچ یک از ابعاد ۹ گانه دسته‌بندی نشده‌اند. این سؤالات که از نظر بالینی دارای اهمیت بوده و به شاخص‌های کلی آزمون کمک می‌کنند، بهتر است که به‌طور تجمعی استفاده شوند. این سؤالات به عنوان یکی از ابعاد آزمون نمره‌گذاری نمی‌شوند، اما به نمرات ضریب کلی ناراحتی اضافه می‌گردند. همچنین آزمون مذکور حالات فرد را از یک هفته قبل تا زمان حال مورد ارزشیابی قرار می‌دهد و این زمانی است که فرد برای جواب دادن به زمان رجوع می‌کند. بدیهی است در مورد بیماران سایکوپاتیک، افراد دچار ضایعات عضوی مغز و عقب مانده‌های ذهنی این آزمون معتبر نخواهد بود. پس از انتقال ۹۰ سؤال آزمون به فرم مخصوص پاسخ‌ها و جمع ضرائب ناراحتی هر یک از ابعاد ۹ گانه و سؤالات اضافی آزمون معیار کلی علائم مرضی

(یعنی GSI) به‌دست آمده و با شمارش تعداد پاسخ‌های مثبت علائم (پاسخ‌هایی که غیر از صفر گرفته‌اند) PST، جمع علائم مرضی محاسبه شده که در نتیجه مقدار معیار ضریب ناراحتی، PSDI، (که حاصل GSI است) به‌دست خواهد آمد. در تحقیق رضایی، خزاری، حجازی و افروز (۱۳۸۶) ضرایب پایایی با استفاده از روش تصنیف بین ۰/۶۲ تا ۰/۹۱ و با روش کرونباخ بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۸ بوده است.

پیشرفت تحصیلی: برای بررسی وضعیت تحصیلی از مقطع تحصیلی و معدل به‌دست آمده در طول سال استفاده شد.

نتایج

در ادامه نتایج حاصل از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، جداول فراوانی، درصد، ...) هر یک از متغیرهای ویژگی‌های پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی-اجتماعی و سلامت روان به تفکیک بررسی می‌گردد:

جدول ۱. توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی در نوجوانان بزهکار استان سیستان و بلوچستان

وضعیت تحصیلی	f	p
بی‌سواد	۴۱	۴۷/۷
ابتدایی	۱۸	۲۰/۹
راهنمایی	۲۲	۲۵/۶
دبیرستان	۵	۵/۸

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد در ارتباط با وضعیت تحصیلی نوجوانان بزهکار، نوجوانان بزهکار بی‌سواد با ۴۷/۷ درصد دارای بیش‌ترین فراوانی هستند و تنها ۵/۸ درصد از این نوجوانان تحصیلات دبیرستان را طی نموده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی علل ترک تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی در نوجوانان بزهکار

p	f	علل ترک تحصیل یا بی‌سوادی
۴۸/۸	۴۱	اصلاً مدرسه نرفته‌اند
۱۲/۵	۱۰	دستگیر شده‌اند
۱۶/۳	۱۴	کمک خرج خانواده
۱۲/۱	۱۱	بی‌علاقگی به ادامه تحصیل
۳/۴	۴	دوست ناباب
۷	۶	جدایی والدین

نتایج جدول ۲ در ارتباط با توزیع فراوانی علل ترک تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی در نوجوانان بزهکار نشان می‌دهد که ۴۸/۸ درصد از نوجوانان بزهکار اصلاً مدرسه نرفته‌اند. این در حالیست که بیش‌ترین فراوانی ترک تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی نیز با ۱۶/۳ درصد مرتبط است با کمک به خرج خانواده به عنوان یکی از علل ترک تحصیل در نوجوانان بزهکار استان سیستان و بلوچستان بوده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی ویژگی‌های خانوادگی - اجتماعی نوجوانان بزهکار در استان سیستان و بلوچستان

p	f	سطوح متغیرها	متغیرهای خانوادگی - اجتماعی
۹۴/۲	۸۱	مجرد	تأهل
۵/۸	۵	متأهل	
۳۹/۵	۳۴	کوچک	ساختار خانواده
۶۰/۵	۵۲	بزرگ	
۱۲/۸	۱۱	۱	ترتیب تولد
۲۳/۳	۲۰	۲	
۲۷/۹	۲۴	۳	
۱۷/۴	۱۵	۴	
۱۴/۰	۱۲	۵	
۲/۳	۲	۶	

Vol.7, No.2/214-239			دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲/۲۳۹-۲۱۴		
۲/۳	۲	۷			
۳۸/۴	۳۳	ملکی	مسکن		
۶۱/۶	۵۳	اجاره‌ای			
۴/۷	۴	خوب	در آمد مادر		
۱/۲	۱	متوسط			
۹/۳	۸	ضعیف			
۸۴/۹	۷۳	ندارد			
۴/۷	۴	خوب	در آمد پدر		
۱۵/۱	۱۳	متوسط			
۵۷/۰	۴۹	ضعیف			
۲۳/۳	۲۰	ندارد			
۳/۵	۳	۲	تعداد فرزندان		
۳/۵	۳	۳			
۵/۸	۵	۴			
۱۲/۸	۱۱	۵			
۱۵/۱	۱۳	۶			
۲۷/۹	۲۴	۷			
۱۰/۵	۹	۸			
۸/۱	۷	۹			
۲/۳	۲	۱۰			
۱/۲	۱	۱۱			
۲/۳	۲	۱۴			
۱/۲	۱	۱۵			
۲/۳	۲	۱۶			
۲/۳	۲	۲۰			
۱/۲	۱	۲۲			

بررسی ویژگی‌های پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی - اجتماعی و سلامت روان در نوجوانان بزهکار

۴/۷	۴	بی سواد	
۱/۲	۱	زیر دیپلم	سواد پدر
۹/۳	۸	دیپلم	
۸۴/۹	۷۳	فوق دیپلم	
۶۶/۳	۵۷	بی سواد	
۲۶/۷	۲۳	زیر دیپلم	سواد مادر
۴/۷	۴	دیپلم	
۹/۳	۸	ضعیف	طبقه اجتماعی
۹۰/۷	۷۸	متوسط	
۶۱/۶	۵۳	خوب	
۲۵/۶	۲۲	متوسط	رابطه والدین
۴/۷	۴	ضعیف	
۸/۱	۷	بد	
۶۷/۴	۵۸	خوب	
۲۷/۹	۲۴	متوسط	رابطه اعضای خانواده
۳/۵	۳	ضعیف	
۱/۲	۱	بد	
۱۱/۶	۱۰	پدر	
۷۰/۹	۶۱	مادر	دل بستگی
۱۲/۸	۱۱	هر دو	
۴/۷	۴	هیچ کدام	
۶۷/۴	۵۸	خوب	
۱۸/۶	۱۶	متوسط	رابطه والدین
۸/۱	۷	ضعیف	
۵/۸	۵	ندارد	
۸/۱	۷	بلی	طلاق

Vol.7, No.2/214-239			دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲/۲۳۹-۲۱۴	
۹۱/۹	۷۹	خیر		
۳۱/۴	۲۷	بلی	ازدواج پدر	
۶۸/۶	۵۹	خیر		
۵/۸	۵	بلی	ازدواج مادر	
۹۴/۲	۸۱	خیر		
۱۸/۶	۱۶	بلی	فوت پدر	
۸۱/۴	۷۰	خیر		
۸/۱	۷	بلی	فوت مادر	
۹۱/۹	۷۹	خیر		
۲۲/۱	۱۹	بلی	ازکار افتادگی پدر	
۷۷/۹	۴۷	خیر		
۲۵/۶	۲۲	بلی	جرایم کیفری پدر	
۷۴/۴	۶۴	خیر		
۲/۳	۲	بلی	جرایم کیفری مادر	
۹۷/۷	۸۴	خیر		
۲۵/۶	۲۲	بلی	اعتیاد پدر	
۷۴/۴	۶۴	خیر		
۳/۵	۳	بلی	اعتیاد مادر	
۹۶/۵	۸۳	خیر		
۴۷/۷	۴۱	پدر	تأمین معاش	
۷	۶	مادر		
۲۲/۱	۱۹	برادر		
۲۳/۳	۲۰	دیگران		
۶۴	۵۵	خوب	نگرش به خانواده	
۶۵/۶	۲۲	متوسط		
۱۰/۵	۹	بد		

۱۵/۱	۱۳	خوب	نگرش به اجتماع
۲۵/۶	۲۲	متوسط	
۵۸/۱	۱۵	بد	
۵۷	۴۹	خوب	نگرش به معلم
۲۶/۷	۲۳	متوسط	
۱۶/۳	۱۴	بد	
۳۳/۷	۲۹	خوب	نگرش به دوستان
۱۹/۸	۱۷	متوسط	
۴۶/۵	۴۰	بد	

نتایج جدول ۳ در ارتباط با توزیع فراوانی متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های خانوادگی-اجتماعی نوجوانان بزهکار در استان سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد که ۹۴/۲ درصد از بزهکاران استان مجردند در مقابل ۵/۸ درصد از آن‌ها که متأهل هستند. در ارتباط با ساختار خانواده ۶۰/۵ درصد از نوجوانان بزهکار در ساختار خانوادگی بزرگ زندگی می‌کنند و از نظر ترتیب تولد نیز نوجوانان بزهکاری که فرزند سوم هستند با ۲۷/۹ درصد دارای بیشترین فراوانی از این نظر هستند. در ۲۷/۹ درصد از نوجوانان بزهکار نیز تعداد فرزندان خانواده ۷ نفر است که این بیشترین فراوانی را شامل می‌شود، از نظر مسکن ۶۱/۶ درصد از نوجوانان بزهکار در مسکن استیجاری زندگی می‌نمایند. ۹/۸۴ درصد از نوجوانان بزهکار مادرانی دارند که هیچ درآمدی ندارند، در حالی که ۲۳/۳ درصد از پدران این نوجوانان هیچ درآمدی نداشته‌اند، طبقه اجتماعی ۹۰/۷ درصد از این نوجوانان ضعیف گزارش شده است. در ارتباط با سواد پدر ۶۶/۳ درصد از نوجوانان بزهکار دارای پدران بی‌سواد بوده‌اند و ۸۱/۴ درصد از مادران این نوجوانان بی‌سواد هستند. بزهکاران رابطه با والدین خود را در ۶۱/۶ درصد موارد خوب گزارش نموده‌اند. رابطه اعضای خانواده ۶۷/۴ نوجوانان با یکدیگر نیز خوب گزارش گردیده است. بیشترین دل‌بستگی نوجوانان بزهکار در ۷۰/۹ درصد با مادرشان گزارش شده است. ۶۷/۴ درصد از نوجوانان بزهکار رابطه والدین خود را خوب گزارش نموده‌اند، این درحالیست که تنها ۸/۱ درصد از والدین این نوجوانان طلاق گرفته‌اند. ۳۱/۴ درصد از پدران

نوجوانان بزهکار ازدواج مجدد نموده‌اند، درحالی‌که تنها ۵/۸ درصد از مادران آن‌ها به این امر اقدام کرده‌اند. ۱۸/۶ درصد از پدران نوجوانان بزهکار فوت نموده‌اند و ۸/۱ درصد از این نوجوانان مادرانشان را از دست داده‌اند. ۲۲/۱ درصد از پدران نوجوانان بزهکار از کار افتاده‌اند، ۲۵/۶ درصد از پدران نوجوانان بزهکار جرائم کیفری داشته‌اند و ۲۵/۶ درصد از پدران نوجوانان بزهکار معتاد بوده‌اند و ۳/۵ درصد از مادران این نوجوانان اعتیاد داشته‌اند. بیش‌ترین تأمین‌کننده معاش برای نوجوانان بزهکار با ۴۷/۷ درصد پدرانشان بوده‌اند. از بین نگرش به دوستان، خانواده، نگرش به اجتماع و نگرش به معلم، نگرش ۶۴ درصد از نوجوانان بزهکار به خانواده خوب و نگرش ۵۸/۱ درصد آن‌ها به اجتماع بد بوده است.

جدول ۴. وضعیت سلامت روان نوجوانان بزهکار در استان سیستان و بلوچستان

پ	f	وضعیت سلامت روان	زیر مقیاسهای scl90
۶۹/۷	۶۰	نیازمند توجه	اضطراب
۲/۵۸	۳	نیازمند مداخله بالینی	
۲۸/۳۸	۳۳	معمولی	
۴۲/۱۴	۴۹	نیازمند توجه	
۳/۴۴	۴	نیازمند مداخله بالینی	وسواس
۳۳/۷۲	۲۹	معمولی	
۴۳	۵۰	نیازمند توجه	
۸/۱۳	۷	نیازمند مداخله بالینی	حساسیت
۴۳/۰۲	۳۷	معمولی	
۴۲/۱۴	۴۹	نیازمند توجه	
۰	۰	نیازمند مداخله بالینی	شکایت جسمانی
۱۰/۳۲	۱۲	معمولی	
۶۰/۲	۷۰	نیازمند توجه	
۳/۴۴	۴	نیازمند مداخله بالینی	روان‌پریشی
۵۳/۳۲	۶۲	معمولی	

۱۸/۹۲	۲۲	نیازمند توجه	
۱/۷۲	۲	نیازمند مداخله بالینی	
۳۵/۷۲	۳۱	معمولی	
۴۰/۸	۴۸	نیازمند توجه	سوءظن
۸/۱۳	۷	نیازمند مداخله بالینی	
۳۰/۹۶	۳۶	معمولی	
۳۷/۸۴	۴۴	نیازمند توجه	افسردگی
۵/۱۶	۶	نیازمند مداخله بالینی	
۶۲/۷۸	۷۳	معمولی	
۱۱/۱۸	۱۳	نیازمند توجه	ترس
۰	۰	نیازمند مداخله بالینی	

نتایج جدول ۴ در ارتباط با وضعیت سلامت روان نوجوانان بزهکار نشان می‌دهد با توجه به خط برش تعیین شده در پرسش‌نامه تحقیق، ۲/۵۸ درصد از نوجوانان بزهکار در مقیاس پرخاشگری نیازمند مداخله بالینی هستند. ۳/۴۴ درصد از نوجوانان بزهکار نیز در مقیاس اضطراب به مداخله بالینی نیاز دارند. این درحالیست که ۸/۱۳ درصد از نوجوانان بزهکار در مقیاس وسواس نیاز به مداخله بالینی دارند، در مقیاس حساسیت ۴۲/۱۴ از نوجوانان نیازمند توجه هستند. در مقیاس شکایت جسمانی نیز ۳/۴۴ درصد نیازمند مداخله بالینی هستند. در مقیاس روان‌پریشی ۱/۷۲ درصد از نوجوانان بزهکار به مداخله بالینی نیاز دارند؛ این درحالیست که نیاز به مداخله بالینی در مقیاس‌های سوءظن و افسردگی به ترتیب ۸/۱۳ و ۵/۱۶ درصد است. در مقیاس ترس نیز ۱۱/۱۸ درصد از این نوجوانان نیازمند توجه هستند. به‌طور کلی می‌توان گفت به‌جز مقیاس‌های حساسیت، روان‌پریشی و ترس که اکثراً افراد در حالت معمولی قرار دارند، در سایر مقیاس‌های دیگر اکثر افراد نیازمند توجه هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های پیشرفت تحصیلی، تبار خانوادگی - اجتماعی و سلامت روان در نوجوانان بزهکار استان سیستان و بلوچستان بود. یافته‌ی اول پژوهش نشان داد وضعیت تحصیلی نوجوانان بزهکار پایین‌تر از حد معمول قرار دارد و بیش‌تر آنان تحصیلات خود را به علل مختلف ترک می‌کنند، که با یافته‌های مشکاتی و همکاران (۱۳۹۶)، شمس‌الدینی و منصوری و باقری (۱۳۹۵) و مانیاداکی و کاکویروس (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین یافته‌ی حاضر می‌توان اینگونه بیان کرد که بدون شک مشکلات خانوادگی، سطح سواد والدین و عدم نظارت بر وضعیت تحصیلی نوجوانان به طور فزاینده‌ای علاقه‌ی آنان را به تحصیل در مدرسه کاهش می‌دهد و گرایش آنان را به سمت همسالان بزهکار بیش‌تر می‌کند (مشکانی و همکاران، ۱۳۹۶). از سوی دیگر یکی از زمینه‌هایی که در روان‌شناسی اهمیت ویژه‌ای دارد، یادگیری است. هر عاملی که روی یادگیری اثر مثبت یا منفی داشته باشد بر کل سیستم فرد تأثیر خواهد گذاشت. یکی از مواردی که بر فرآیند یادگیری و شخصیت فرد تأثیر می‌گذارد، اختلالات یادگیری است. دانش‌آموزانی که مداوم با احساس شکست ناامیدی و ناکامی مواجه هستند رغبت کم‌تری برای یادگیری خواندن و نوشتن نشان می‌دهند، گروهی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که تعداد افرادی که در بین مبتلایان به ناتوانی‌های یادگیری به بزهکاری کشیده می‌شوند در مقایسه با بزهکاران عادی بیش‌تر است (فتحی اقدم و همکاران، ۱۳۸۹). که این امر منجر به گرایش به سمت همسالان بزهکار می‌شود. از سوی دیگر اکثریت نوجوانان بزهکار سابقه ترک تحصیل داشته و میزان تحصیلات آن‌ها ابتدایی و راهنمایی بود. این امر می‌تواند مبین رابطه معکوس بین سطح تحصیلات و کاهش ارتکاب عملی خلاف باشد؛ چرا که داشتن علم و اطلاعات کافی می‌تواند فرد را در انتخاب راه درست یاری دهد. یافته‌ی دوم پژوهش نشان داد که بین وضعیت تبار خانوادگی-اجتماعی نوجوانان بزهکار در سطح نامطلوب قرار دارد. که در زیر به تبیین هر یک از مؤلفه‌ها پرداخته شده است.

۱- در خصوص وضعیت تأهل نوجوانان بزهکار نتایج نشان داد که ۹۴/۲ درصد از نوجوانان مجردند در مقابل ۵/۸ درصد متأهل هستند. دلستگی با افراد و نهادهای اجتماعی، یکی از

شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن با جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج‌رفتاری آزاد بداند، برای مثال؛ یک فرد مجرد بیش‌تر امکان دارد که دزدی یا خودکشی کند، یا این‌که به مصرف مواد مخدر دست بزند؛ درحالی‌که فرد متأهل به دلیل پیوندهای اجتماعی احتمال کم‌تری دارد که مرتکب کج‌رفتاری شود.

۲- در ارتباط با ساختار خانواده ۶۰/۵ درصد از نوجوانان بزهکار در ساختار خانوادگی بزرگ زندگی می‌کنند. از نظر تعداد فرزندان خانواده ۷ نفره با ۲۷/۹ درصد بیش‌ترین فراوانی را شامل می‌شود. خانواده‌های پرجمعیت با مشکلات اقتصادی بیش‌تری مواجه‌اند و این‌که در این خانواده‌ها نظارت والدین بر فرزندان رفته رفته کاهش می‌یابد، به گونه‌ای که احساس کمبود و ناکامی در فرزندان شکل می‌گیرد و این خود زمینه را برای ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را در آن‌ها فراهم می‌آورد. در خانواده‌های پرجمعیت نیز نوجوانان کم‌تر فرصت ابراز وجود دارند. در استان سیستان و بلوچستان هنوز هم خانواده‌های گسترده شامل تعداد زیادی از افراد است. در این نوع شرایط معمولاً مادر بزرگ و پدر بزرگ از سلطه بیش‌تری برخوردار هستند و با خانواده اصلی زندگی می‌نمایند. تعدد زوجات و زندگی همسران با یکدیگر می‌تواند زمینه‌ساز بلا تکلیفی عاطفی در خانواده شده و تعداد فرزندان زیاد و نابسامانی تربیتی در این شرایط گاه ایجاد آسیب می‌نماید.

۳- از نظر ترتیب تولد نیز نوجوان بزهکار که فرزند سوم هستند با ۲۷/۹ درصد دارای بیش‌ترین فراوانی از این نظر هستند. فرزند وسطی یا میانی با بچه اول رقابت دارد و این کشمکش رقابتی بین دو بچه بر زندگی آتی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. فرزندان میانی معمولاً در سنین پائین‌تر از فرزند اول صحبت کردن را آغاز می‌کنند. فرزندان اول اغلب به سوی گذشته گرایش دارند و نسبت به آینده بدبین هستند و علاقه عجیبی به نظم و اقتدار دارند، درحالی-

که فرزندان میانی درباره آینده خوشبین‌تر هستند و احتمالاً رقابت‌طلب و جاه‌طلب می‌شوند. آن‌ها ممکن است به بی‌انصافی زندگی و احساس این‌که فریب خورده‌اند اعتقاد پیدا کنند. من ضعیف را بپذیرند و می‌توانند برای بچه‌های دیگر ایجاد مشکل کنند.

۴- در خصوص وضعیت اقتصادی، نتایج نشان داد ۶۱/۶ درصد از نوجوانان بزهکار در مسکن استیجاری زندگی می‌نمایند، بزهکاران گروه نمونه، مادرانی دارند که هیچ درآمدی ندارند و بیش‌ترین تأمین‌کننده معاش برای نوجوانان بزهکار با ۴۷/۷ درصد پدرانشان بوده‌اند. عدم بضاعت مالی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان، زمینه بروز دل‌زدگی، افسردگی و انزوای طلبی در فرزندان را فراهم می‌سازد. این امر موجب می‌شود تا این افراد برای التیام ناراحتی‌های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیر مستقیم به اقداماتی دست بزنند و خود در صدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری‌ها دست به اعمال ناشایست می‌زنند (فولادی، ۱۳۸۹). با توجه به این‌که این استان مدت‌ها به عنوان منطقه محروم شناخته شده و زمینه‌های آموزش و محیط زندگی کودکان و نوجوانان به دلیل وجود مسائل مختلف از جمله اعتیاد والدین، فقر و وجود تعداد بالای زنان سرپرست خانوار دچار مشکلات بسیار شده است، طبیعی است که در معرض چنین آسیب‌هایی قرار داشته باشد.

۵- در خصوص تحصیلات والدین، نتیجه نشان داد که ۶۶/۳ درصد از نوجوانان بزهکار دارای پدران بی‌سواد بوده‌اند و ۸۱/۴ درصد از مادران این نوجوانان بی‌سواد هستند. اکثر پژوهش‌ها این نکته را نشان دادند که والدین نوجوانان بزهکار از نظر تحصیلات نسبت به گروه عادی در سطح پایین‌تری قرار دارند (مشکانی، ۱۳۹۳).

۶- از نظر سطح طبقه اجتماعی نتیجه نشان داد که ۹۰/۷ درصد از این نوجوانان از طبقه اجتماعی ضعیف جامعه هستند. از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است پایین بودن سطح طبقات و محدودیت‌ها و تبعیض‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی است. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری سطح و طبقه اجتماعی خانواده‌هاست. چنان‌که سطح تحصیلات (بی‌سواد یا کم‌سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیر رسمی جامعه، هنجار شکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسأله و مسائل دیگر از این دست، مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرائم آنان را دوچندان می‌کند. (فولادی، ۱۳۸۹).

۷- در خصوص روابط اعضای خانواده نتایج نشان داد که ۶۷/۴ درصد رابطه بین والدین نوجوانان بزهکار را خوب گزارش کرده‌اند، ارتباط با والدین ۶۱/۶ درصد خوب بوده است و ۷۰/۹ درصد بیش‌ترین دلبستگی را با مادرانشان داشته‌اند. جو عاطفی خانواده یکی از عوامل خانوادگی است که در بزهکاری مورد توجه قرار گرفته است. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که کودک را تحت سرپرستی و مراقبت خود قرار می‌دهد. این محیط بیش‌تر از محیط‌های دیگر در رشد و تکامل فرد تأثیر دارد و کودک پیش از آن‌که از اوضاع اجتماعی خارجی متأثر سازد تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که والدین افراد بزهکار در قیاس با والدین افراد غیربزهکار بیش‌تر طردکننده و کم‌محبت هستند، در این خانواده‌ها پدران در صورت رخداد اشتباهی از جانب پسران خود آن‌ها را مورد استهزاء قرار می‌دهند رابطه آن‌ها با پسران خود بیش‌تر ظالمانه و توأم با غفلت است.

۸- از نظر وضعیت تأهل والدین نتایج نشان داد که ۸/۱ درصد از والدین این نوجوانان طلاق گرفته‌اند، ۳۱/۴ درصد از پدران آنان ازدواج مجدد نموده‌اند، در حالی که تنها ۵/۸ درصد از مادران آنها به این امر مبادرت نموده‌اند. ۱۸/۶ درصد از پدران نوجوانان بزهکار فوت نموده‌اند، ۸/۱ درصد از این نوجوانان مادرانشان را از دست داده‌اند. خانواده‌های با تعارضات و اختلافات والدین، طلاق، ناامنی، عواطف سرد، بی‌مهری‌های والدین و عوامل بسیاری که مخل روابط سالم درون خانواده است نوجوانان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد. در خانواده با عملکرد (مطلوب) نوجوانان مسئولیت‌پذیری بیش‌تری دارند. چنانچه نالر و کالان^۱ اشاره می‌کنند، خانواده‌های پذیرنده و حمایت‌کننده، فرزندان خود را تشویق می‌کنند تا راه‌ها و نظرات خود را تجربه کنند، در چنین خانواده‌هایی کودک و نوجوان بیش‌تر احساس امنیت می‌کند و خلاق و مسئولیت‌پذیرتر است.

۹- در ارتباط با جرائم کیفری، ۲۵/۶ درصد پدران نوجوانان بزهکار و ۲/۳ درصد مادران مجرم بوده‌اند که این نشان دهنده آن است که در این گروه اقدام به جرم در والدین وجود داشته است. در ارتباط مجرمیت والدین و بزهکاری، والدین بسیار تأثیر گذارند؛ چرا که والدین اولین کسانی هستند که شخصیت فرزندان خود را شکل می‌دهند. کودکان نگرش‌های اجتماعی را از خانواده می‌آموزند و چنانچه یکی از والدین آلودگی داشته باشد، فرزندان آنها بیش از هر کس دیگری در معرض خطر آلودگی قرار خواهند گرفت (شامبیاتی، ۱۳۷۵). آمارها نشان دهنده این امر است که معمولاً کودکان بزهکار دارای والدینی مجرم و سابقه دار هستند. مطالعات طولی انجام شده در دانشگاه کمبریج و پستیبورگ، گویای این مطلب است که داشتن پدر، مادر، برادر یا خواهری که رفتار بزهکارانه دارند، یک عامل خطر مهم در بزهکاری کودکان پسر است.

1. Nolier & callan

۱۰- در ارتباط با اعتیاد والدین، ۲۵/۶ درصد پدران نوجوانان بزهکار و ۳/۵ درصد از مادران این نوجوانان اعتیاد داشته‌اند. خانواده‌هایی که بر اثر اعتیاد به الکل یا مواد مخدر به فساد کشانیده شده، نه تنها نمی‌توانند کودکان سالمی تربیت کنند، بلکه رفتار و ویژگی‌های آنان می‌تواند الگویی برای کشاندن فرزندان به سوی انحرافات گوناگون باشد. کودکان نگرش-های اجتماعی را از خانواده می‌آموزند و چنان که یکی از والدین بزهکار باشند، فرزندان آنان بیش از هر کس در معرض خطر آلودگی قرار خواهند گرفت. نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از معتادان در خانواده افراد معتاد، از قبیل پدر، مادر، پدربزرگ و غیره بوده‌اند.

۱۱- در خصوص نگرش نوجوانان به دوستان نتایج نشان داد که ۳۳/۷ درصد خوب بوده اما ۴۶/۵ درصد بد بوده است، نگرش نوجوان به اجتماع ۱۵/۱ درصد خوب بوده اما ۵۸/۱ درصد بد بوده است. با توجه به نتایج نگرش گروه نمونه به دوستان و اجتماع، چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر به‌سزایی دارد. اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیش‌تری می‌یابد. این نوع برخورد همواره بعنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مد نظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پائینی هستند و از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی و مشاغل پائین خود یا والدین شان رنج می‌برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی‌مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می‌شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها و شاید هم برای رهایی از این گونه بی‌مهری‌ها و معضلات دست به ارتکاب جرائم و انواع انحرافات اجتماعی می‌زنند (عبدی، ۱۳۷۶).

۱۲- از نظر نگرش نوجوان به خانواده نتایج نشان داد که ۱۰/۵ درصد بد بوده اما ۶۴ درصد خوب بوده است، نگرش نوجوان به معلم ۱۶/۳ درصد بد بوده، اما ۵۷ درصد خوب بوده است. با توجه به میزان درصدی که این نوجوانان دارای نگرش بد به خانواده و معلم بودند،

جدا شدن نوجوان از خانواده و ملحق شدن به اجتماع و گروه‌های اجتماعی یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی است. نوجوان به دلیل کسب استقلال و به دست آوردن آزادی عمل در کارها و رفتار و کردار خود می‌خواهد از خانواده جدا شود و به این سبب زمینه‌های پیدا کردن دوستان ناباب شکل می‌گیرد. یکی از عوامل مهم انحراف‌های نوجوانان پیدا نمودن دوستان ناباب و فاسد است که زمینه انجام اعمال بزهکارانه را در آنان تقویت می‌کند (یحیی زاده، رحیمی، ۱۳۸۹). حضور در مدرسه و ادامه تحصیلات حائز اهمیت بسیاری در رشد نوجوانان است. ارتباط نوجوانی با اولیای مدرسه و همکلاسی‌ها پاسخ‌گوی بسیاری از وظایف رشدی اوست و برای دست‌یابی به استقلال و کسب هویت اجتماعی و فکری و فرهنگی نوجوان نیز حائز اهمیت است در سال‌های اول نوجوانی در دوره فاصله گرفتن از خانواده، مدرسه و دوستان این فاصله را پر می‌کنند از نظر هویت شغلی نیز آموزش‌های مدرسه و تبادل اطلاعات با هم‌کلاسی‌ها و دوستان نقش مهمی دارد.

یافته‌ی سوم پژوهش نشان داد که در سلامت روان نوجوانان بزهکار به‌جز مقیاس‌های حساسیت، روان‌پریشی و ترس که اکثر افراد در حالت معمولی قرار دارند، در سایر مقیاس‌های دیگر اکثر افراد نیازمند توجه هستند. به‌طوری که حدود ۷۰ درصد از افراد نمونه نیازمند توجه هستند. همچنین مقیاس شکایت جسمانی با ۶۰/۲ درصد در رتبه دوم قرار دارد. در میان مقیاس‌های سلامت روانی کم‌ترین نیاز به توجه متعلق به مقیاس ترس با ۱۱/۸ درصد است. همچنین در بین تمام مقیاس‌های سلامت روان نوجوانان بزهکار، مقیاس ترس و بعد از آن مقیاس روان‌پریشی به نسبت در شرایط معمولی‌تری قرار دارند. در بین مقیاس‌های سلامت روانی، مقیاس وسواس و سوءظن هر دو با ۸/۱۳ درصد دارای بیش‌ترین نیازمندی به مداخله بالینی هستند. کم‌ترین مداخله بالینی نیز متعلق به مقیاس‌های حساسیت و ترس است. که با یافته‌های قریشی، کلهر، مظلوم زاده، حسین طهرانی و اسکندری (۱۳۹۶)، هاشمی (۱۳۸۸) و کارسول، مایوقان، دیویس، داوینپورت و گوارد (۲۰۰۴) همسو است. در تبیین یافته‌ی حاضر می‌توان این‌گونه استدلال کرد که افرادی که در سطح بالای اختلالات روانی قرار می‌گیرند،

از نظر هیجانی نااستوار و مستعد ناامنی، اضطراب، احساس گناه، نگرانی و نوسان خلق و خشونت هستند (حسینی دولت آبادی، سعادت و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۲) که این امر می‌تواند در بروز رفتارهای بزهکارانه نقش داشته باشد. گیلبرت (۲۰۰۴) در خصوص اختلالات روان‌شناختی در بروز بزهکاری نشان داد که اختلالات خلقی موجب بروز برخی رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌شود. وی همچنین اشاره دارد که اختلالات اضطرابی نیز با ایجاد تنش در زندگی افراد بزهکار، آن‌ها را بیشتر به سمت رفتارهای بزهکارانه سوق می‌دهد. از سوی دیگر می‌توان این‌گونه بیان کرد که شاید دلیل بزهکاری نوجوانان ناشی از عدم ارضای صحیح و به موقع نیازهای روانی نوجوان توسط خانواده باشد. از آنجائی که خانواده نتوانسته بستر مناسب رشد صحیح و تکامل را برای نوجوان ایجاد نماید، زمینه‌ی انحطاط و اعمال خلاف را برای او فراهم نموده است. در بررسی آسیب‌شناسی شخصیتی نوجوانان توسط وبستن (۲۰۰۵) مشخص شد ابعاد شخصیت ضداجتماعی و عدم نظم عاطفی احساسی در نوجوانان بزهکار بارزتر است.

با توجه به نتایج این پژوهش، اختلالات روان‌شناختی، عوامل خانوادگی، و وضعیت تحصیلی با بزهکاری در ارتباط است. ضمن توجه به این عوامل و همچنین، عملکرد نوجوانان در مدرسه، نحوه‌ی دوست‌یابی آن‌ها و آموزش خانواده‌ها در این خصوص در بروز رفتار مجرمانه در نوجوانان می‌توان از بروز رفتارهای بزهکارانه کاسته شود، همچنین و انجام مداخلات مناسب در جهت اصلاح این رفتارها توصیه می‌گردد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش، تعداد محدود نوجوانان مقیم کانون اصلاح و تربیت استان سیستان و بلوچستان بود که تعمیم‌پذیری نتایج را با احتیاط روبه‌رو می‌تواند بسازد.

منابع

رضایی، سعید؛ خزاری، سیدکمال، حجازی، الهه و افروز، غلامعلی. (۱۳۸۶). بررسی تحلیل تأثیر ابعاد اجتماعی، خانوادگی، ویژگیهای شخصی، شناختی در بوجود آمدن بزهکاری. روان‌شناسی کاربردی، ۱۴(۳)، ۷-۱۴.

- ساعتچی، محمود. (۱۳۹۳). روان‌شناسی در کار، سازمان و مدیریت، چاپ دهم، تهران: نشر ویرایش.
- شمس‌الدینی، لطیفه؛ منصور، زهرا و باقری، مسعود. (۱۳۹۵). رابطه‌ی تاب‌آوری و پیشرفت تحصیلی با نگرش به بزهکاری. همایش بین‌المللی کودک و نوجوان.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر و ستاره، سیمین (۱۳۹۲). بررسی نقش خانواده، مدرسه، و گروه همسالان در بزهکاری دانش‌آموزان. جامعه‌پژوهی فرهنگی. ۴(۴)، ۱۰۳-۷۹.
- فتحی‌اقدام، قربان؛ سنگگ، پیمان (۱۳۸۹). بررسی رابطه اختلالات یادگیری با بزهکاری در نوجوانان در بزهکاران مستقر در کانون اصلاح تربیت تهران. فصلنامه علوم رفتاری. ۲(۳)، ۱۵۳-۱۳۹.
- قریشی، سید ابوالفضل؛ کلهر، لیلا؛ مظلوم‌زاده، سعیده؛ حسین‌طهرانی، محمدرضا و اسکندری، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط اختلالات روان‌شناختی و عوامل اجتماعی-اقتصادی با بزهکاری نوجوانان. مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ۳۵(۴۱۸)، ۸۳-۷۷.
- کریمی، فاطمه؛ نیکوی‌کوپس، الیاس؛ نیک‌خواه فشکجه، زهرا و بابائی‌خویده، مریم. (۱۳۹۵). رابطه باورهای غیرمنطقی، منبع‌مهارگری با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۷(۲)، ۲۴۳-۲۲۳.
- کشفی، سعید و اصلانو، علی. (۱۳۹۰). پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان. نشریه پلیس زن. ۱۵(۵)، ۱۲۸-۱۱۲.
- مختاری، بهرام. (۱۳۹۱). علت‌یابی بزهکاری اطفال و نوجوانان. اصلاح و تربیت. ۱۹-۱۵؛ ۱۲۶.
- مشکاتی، محمد؛ موسی‌زاده، حسن و کریمی‌راد، صنمیر. (۱۳۹۶). مقایسه‌ی تحلیلی ظرفیت هوش کلی، کلامی، عملکردی، خرده‌مقیاس‌های آن و پیشرفت تحصیلی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۱۹(۷۸)، ۱۵۲-۱۴۷.
- هاشمی، سیده زهرا. (۱۳۸۸). ضرورت لحاظ اختلالات روانی در پیشگیری از بزهکاری اطفال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- Aliverdina, A., & Setareh, S. (2014). The Roles of Family, School, and Peer Group in Students Delinquency; a Study. *Quarterly Journal of Cultural Sociology*, 4(4): 79-103. (Persian)
- Buckner, K. J. (2009). Dimensions of Adolescent Maltreatment and Self-Reported Delinquency: The Mediating Roles of Attachment to Parents and Attachment to School', Thesis for the degree of Doctor of Philosophy, Case Western Reserve University.

- Carswell, K., Maughan, B., Davis, H., Davenport, F., & Goddard, N. (2004). The psychosocial needs of young offenders and adolescents from an inner city area. *Journal Adolesc*, 27(4): 415-428.
- Ebru Albayrak, O. A. & Ozcan, E. (2015). The Effects of Irrational Beliefs on Academic Motivation and Academic Self-Efficacy of Candidate Teachers of Computer and Instructional Technologies Education Department". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 197, 1287 – 1292.
- Elicia, L., Mitchell, A. N. & Johnston, B. (2016). Manikin Simulation in Mental Health Nursing Education: An Integrative Review. *Clinical Simulation in Nursing*, 12(11), 484-495.
- Fathi Aghdam, GH. & Sangak, P. (2010). Investigating the relationship between learning disabilities and delinquency in adolescents in criminals based in Tehran's Rehabilitation Center. *Journal of Behavioral Sciences*, 2(3): 139-153. (Persian)
- Ghoreishi, S. A, Kalhor, L., Mazloomzadeh, S., Hosseintehrani, M., & Eskandari, F. (2018). The Relationship of Psychological Disorders and Socioeconomic Factors with Juvenile Delinquency. *Jornal of Isfahan Medical School*, 35(418): 77-83. (Persian)
- Gilbert, M. (2004). Achieving access to the general curriculum for students with mental retardation: A curriculum decision-making model. *Education and Training in Mental Retardation and Developmental Disabilities*. 36(4), 327-342.
- Hashemi, SZ. (2009). The Need for Mental Disorders in the Prevention of Juvenile Delinquency. Master's Thesis, Faculty of Judicial Sciences and Administrative Services. (Persian)
- Karimi, F., Nikoy, E., Nikkhah, L., Asode, Z., & Babaei, M. (2016). The Relationship Between Irrational Beliefs, Controlling Source, and Attitude to Delinquency Among High School Students. *Journal of Criminal Law*. 7(2): 223-243. (Persin)
- Keshfi, S., & Razalno, A. (2011). Law enforcement against delinquency of children and adolescents. *Women's Police*. 15(5): 112-128.
- Maniadaki, K. & Kakouros, E. (2011). Attention problems and learning disabilities in young offenders in detention in Greece. *Psychology*, 2(1): 53-9.
- Mash E, Wolfe D. (2012). *Abnormal child psychology*: Cengage Learning: 164-81.
- Mokhtari, B. (2012). The Causes of Juvenile Delinquency. *Correction and Upbringing*, (120): 15-19. (Persian)
- Moshkani, M., Mousazadeh, H., & Karimi-Rad, S. (2017). Comparison of the analytical capacity of general, verbal, performance intelligence and its subscales and academic achievement between criminal and non-criminal juveniles. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 19(78): 147-152. (Persian)
- Mrug, S. & McCay, R. (2013). Parental and peer disapproval of alcohol use and its relationship to adolescent drinking: age, gender, and racial differences. *Psychology of Addictive Behaviors*, 27(3): 604-614.
- Rezae, S., Kharazi, S. K., Hejazi, E., & Afroz, Gh. (2007) Investigating the analysis of the effect of social dimensions, family, personal and cognitive characteristics in the creation of delinquency. *Journal of Applied Psychology*, 1(3): 7-14. (Persian)

- Saatchi, M. (2014). *Psychology in Work, Organization and Management*, Tenth Edition, Tehran: Publishing Edition. (Persian)
- Sadock, B. J. Kaplan, H. Sadock, V. A. (2015). *Synopsis of Psychiatry: Behavioral Science Clinical Psychiatry*. Philadelphia: Lippincott, William and Wilkins, Virginia.
- Seth, M and Asudani, V (2013), Parenting styles and their impact on educational performance of children at high Scholl level: review of literature. *Indian Streams Research Journal*, 3, 1- 6.
- Shamseldini, L., Mansouri, Z. & Bagheri, M. (2016). Relation between Resilience and Academic Achievement and Attitudes to Delinquency. *International Children and Youth Conference*. (Persian)
- Sharma, M. & Joshi, H. L. (2015). Role of Family Environment and Parenting Style in Adjustment among Male Adolescents. *International Journal of Current Research and Academic*, 3, 252-263.
- Shelley-Tremblay J, O'Brien N, Langhinrichsen-Rohling J. (2007). Reading disability in adjudicated youth: prevalence rates current models, traditional and innovative treatments. *Aggress Viol Behav*, 12(3), 376-92
- Sukhodolsky, D. G. Kassinove, H. Gorman, B. S. (2004). Cognitive-Behavioral Therapy for Anger in Children and Adolescents: A Meta-Analysis. *Aggression and Violent Behavior*, 9, 247-269.

An investigation of the characteristics of academic achievement, family-social pedigree and mental health in delinquent teenagers

F. Karbalai¹, Gh. A. Afrooz² & M. Raghibi³

Abstract

Juvenile delinquency is one of the most complicated social issues that has entangled public opinion. The present study was conducted to investigate the characteristics of academic achievement, family-social pedigree and mental health in delinquent teenagers in Sistan and Baluchestan Province. The research method was descriptive-survey. The population included all the delinquent teenagers at the rehabilitation center of Sistan and Baluchestan during 2015-2016. From among them, using availability sampling, 86 delinquent teenagers were selected. In addition to identifying their current level of education and their grade point average, a researcher-made questionnaire on their family traits and the SCL-90-R mental health questionnaire were employed. The findings showed that delinquent teenagers were the third child of the family in terms of family descent and had a large family structure, social status, economic background, parents with low education and a large number of family members. In the area of academic achievement, the majority of juvenile offenders were illiterate and few of them held primary or secondary education. The most frequent reason for the status of these teenagers was that they were helping the family and their attitude toward the community was bad. These teenagers needed attention and clinical intervention in mental health, and they also needed clinical intervention at the scale of suspicion, depression, and fear. With the scientific identification of these characteristics, it is clear that appropriate programs for preventing the delinquency of juvenile delinquents in the formulation of educational programs and their career and academic guidance are significant.

Keywords: Academic achievement, family-social pedigree, delinquent teenagers, mental health

1. Corresponding Author: Ph.D. in Psychology and Exceptional Children Education (karbalai_996@yahoo.com)

2. Excellent Professor of Psychology and Exceptional Children Education, University of Tehran

3. Associate Professor of Psychology, Sistan and Baluchestan University